

راهنمای زبان پارسی

تقدیم به

روح بزرگ استاد فرزانه احمد تفضلی

رضائی، حسن

راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی) / حسن رضائی باغبیدی. - تهران:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، ۱۳۸۱

۱۸۲ ص: جدول، نمونه. - (فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۹)

ISBN: 964-311-521-6 ریال ۱۱۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Hassan Rezai Baghbidi.

A Manual of Parthian (Arsacid Pahlavi) ص.ع. به انگلیسی:

کتابنامه: ص. ۱۶۹-۱۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. زبان پارسی - دستور. الف. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. نشر

آثار. ب. عنوان

PIR۱۷۴۷/۰۵۵ فا ۴

۱۹۷۳۷-۸۰م

کتابخانه ملی ایران

راهنمای زبان پارتی

(پهلوی اشکانی)

دکتر حسن رضائی باغییدی

واژه‌نامه پارتی

عسکر بهرامی





انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶



حسن رضائی باغبیدی

راهنمای زبان پارسی

(پهلوی اشکانی)

با تجدیدنظر و اضافات

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۸۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۵۲۱-۶

ISBN: 964-311-521-6

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۳۱	۱ آواشناسی
۳۱	۱-۱. تحوّل آواهای ایرانی باستان در زبان پارسی.....
۳۹	۲-۱. تحوّل مصوّت‌های مرکّب در زبان پارسی.....
۴۰	۳-۱. تحوّل گروه‌های صامت در زبان پارسی.....
۴۳	۴-۱. سایر دگرگونی‌های آوایی.....
۴۵	۵-۱. نظام واجی زبان پارسی.....
۴۵	۱. صامتها.....
۴۵	۲. مصوتها.....
۴۵	۶-۱. ساختمان هجا.....
۴۷	۷-۱. تکیه.....
۴۷	۱-۷-۱. در اسم و صفت.....
۴۷	۲-۷-۱. در اسم جمع یا صفت جانشین اسم جمع.....
۴۷	۳-۷-۱. در اسم منادا یا صفت جانشین اسم منادا.....
۴۷	۴-۷-۱. در فعل.....
۴۹	۲ اسم
۴۹	۱-۲. کلیات.....
۴۹	۲-۲. حرف تعریف.....
۵۰	۳-۲. مفرد و جمع.....
۵۲	۴-۲. حالت فاعلی و غیرفاعلی.....
۵۳	۵-۲. مضاف و مضاف‌الیه.....

۵۵	۳ صفت
۵۵	۱-۳ کلیات
۵۵	۲-۳ کاربرد صفت
۵۵	۱-۲-۳ برای توصیف اسم
۵۶	۲-۲-۳ در نقش قید
۵۶	۳-۲-۳ به عنوان مسند در جمله اسمی
۵۷	۴-۲-۳ به همراه فعل kirdan (کردن) برای ساختن افعال مرکب
۵۷	۳-۳ مفرد و جمع
۵۷	۱-۳-۳ صفت و موصوف هر دو جمع
۵۷	۲-۳-۳ صفت مفرد و موصوف جمع
۵۸	۳-۳-۳ صفت جمع و موصوف مفرد
۵۸	۴-۳ درجات صفت

۶۱	۴ ضمیر
۶۱	۱-۴ کلیات
۶۱	۲-۴ ضمایر شخصی
۶۱	۱-۲-۴ ضمایر جدا (منفصل)
۶۵	۲-۲-۴ ضمایر پیوسته (متصل)
۶۹	۳-۴ صفات و ضمایر اشاره
۷۲	۴-۴ صفات و ضمایر مبهم
۷۶	۵-۴ صفات و ضمایر پرسشی
۷۷	۶-۴ ضمایر مشترک
۷۹	۷-۴ ضمایر موصولی

۸۱	۵ عدد
۸۱	۱-۵ اعداد اصلی
۸۳	۲-۵ اعداد ترتیبی
۸۳	۳-۵ اعداد توزیعی
۸۳	۴-۵ عدد کسری
۸۳	۵-۵ کاربرد عدد
۸۴	۱-۵-۵ به عنوان صفت
۸۴	۲-۵-۵ به عنوان اسم

۸۴	۵-۶ عدد و واحدهای اندازه‌گیری.....
۸۵	۵-۶.۱. قبل از واحد اندازه‌گیری.....
۸۵	۵-۶.۲. بعد از واحد اندازه‌گیری.....
۸۵	۵-۷. شیوهٔ تاریخ‌گذاری.....

۸۷	۶ قید
۸۷	۶-۱. قیدهای زمان.....
۸۸	۶-۲. قیدهای مکان.....
۸۹	۶-۳. قیدهای ترتیب.....
۸۹	۶-۴. قیدهای مقدار.....
۹۰	۶-۵. قیدهای تأکید.....
۹۰	۶-۶. قیدهای تشبیه.....
۹۰	۶-۷. قیدهای استثنا.....
۹۰	۶-۸. قیدهای نفی.....
۹۰	۶-۹. قید امری.....
۹۱	۶-۱۰. قید تأکید متصل.....

۹۳	۷ پیشوندها و پسوندها
۹۳	۷-۱. پیشوندها.....
۹۴	۷-۲. پسوندها.....

۱۰۳	۸ کلمات مرکب
۱۰۳	۸-۱. اسم‌های مرکب.....
۱۰۳	۸-۱-۱. از ترکیب اسم با اسم.....
۱۰۳	۸-۱-۲. از ترکیب اسم با مادهٔ مضارع.....
۱۰۴	۸-۱-۳. از ترکیب اسم با مادهٔ ماضی.....
۱۰۴	۸-۱-۴. از ترکیب عدد با اسم.....
۱۰۴	۸-۱-۵. از ترکیب صفت با اسم.....
۱۰۴	۸-۱-۶. از ترکیب مادهٔ ماضی با مادهٔ ماضی.....
۱۰۴	۸-۲. صفت‌های مرکب.....
۱۰۴	۸-۱-۲. از ترکیب اسم با اسم.....

۱۰۴	۸-۲-۲. از ترکیب اسم با صفت.
۱۰۴	۸-۲-۳. از ترکیب اسم با ماده مضارع.
۱۰۴	۸-۲-۴. از ترکیب اسم با ماده ماضی.
۱۰۴	۸-۲-۵. از ترکیب صفت با ماده ماضی.
۱۰۵	۸-۲-۶. از ترکیب صفت با اسم.
۱۰۵	۸-۲-۷. از ترکیب عدد با اسم.
۱۰۵	۸-۲-۸. از ترکیب قید با اسم.

۱۰۷	۹ حروف و اصوات
۱۰۷	۹-۱. حروف.
۱۰۷	۹-۱-۱. حروف اضافه.
۱۱۰	۹-۱-۲. حروف ربط.
۱۱۱	۹-۲. اصوات.

۱۱۳	۱۰ فعل
۱۱۳	۱۰-۱. کلیات.
۱۱۳	۱۰-۲. فعل‌های پارسی.
۱۱۴	۱۰-۲-۱. ماده‌های ماضی با پسوند باستانی *-ta.
۱۱۷	۱۰-۲-۲. ماده‌های ماضی با پسوند -ād.
۱۲۰	۱۰-۲-۳. ماده‌های ماضی مکمل.
۱۲۰	۱۰-۲-۴. ماده‌های مضارع مختوم به -s.
۱۲۱	۱۰-۲-۵. ماده‌های مضارع سببی.
۱۲۲	۱۰-۲-۶. ماده‌های مضارع جعلی.
۱۲۲	۱۰-۲-۷. بازمانده‌های ماده‌های مضارع مجهول ایرانی باستان.
۱۲۳	۱۰-۳. صرف فعل.
۱۲۳	۱۰-۳-۱. مضارع اخباری.
۱۲۴	۱۰-۳-۲. مضارع التزامی.
۱۲۶	۱۰-۳-۳. مضارع تمنّایی.
۱۲۷	۱۰-۳-۴. وجه امری.
۱۲۷	۱۰-۳-۵. صرف فعل‌های کمکی.
۱۲۸	۱۰-۳-۶. ماضی ساده.
۱۳۰	۱۰-۳-۷. ماضی نقلی.

۱۳۱ ۱۰-۳-۸. ماضی بعید.
۱۳۲ ۱۰-۳-۹. ماضی شرطی (شرط غیر محقق)
۱۳۲ ۱۰-۳-۱۰. فعل مجهول.
۱۳۳ ۱۰-۴-۱. مشتقات فعل.
۱۳۳ ۱۰-۴-۱. اسم مصدر.
۱۳۳ ۱۰-۴-۲. صفت فاعلی.
۱۳۴ ۱۰-۴-۳. مصدر.
۱۳۴ ۱۰-۴-۴. مصدر مرخم.
۱۳۴ ۱۰-۴-۵. صفت مفعولی.
۱۳۵ ۱۰-۵. ادوات فعلی.
۱۳۶ ۱۰-۶. فعل های غیر شخصی.
۱۳۷ ۱۰-۷. فعل های شخصی با مصدر متمم.
۱۳۹ متن های برگزیده.
۱۳۹ آثار به خط پارتی با هزوارش
۱۳۹ ۱- سفالینه های نسا.
۱۴۰ ۲- سکه مسی بلاش چهارم.
۱۴۰ ۳- سکه نقره مهرداد چهارم.
۱۴۰ ۴- بر نگین انگشتر.
۱۴۰ ۵- دیوار نگاره دورا اوروپوس.
۱۴۰ ۶- بخشی از بنجاق اورامان.
۱۴۱ ۷- سنگ نوشته کال جنگال.
۱۴۱ ۸- سنگ نوشته سر پل ذهاب.
۱۴۱ ۹- سنگ مزار خواسگ در شوش.
۱۴۱ ۱۰- کتیبه مجسمه هرکول.
۱۴۲ ۱۱- تحریر پارتی کتیبه اردشیر در نقش رستم.
۱۴۲ آثار مانوی بدون هزوارش.
۱۴۲ ۱- داستان گرویدن مهرشاه به مانی.
۱۴۳ ۲- روایت مرگ مانی.
۱۴۴ ۳- نامه ای از پیشوای مانویان.
۱۴۷ ۴- داستان مصلوب کردن عیسی مسیح (ع).
۱۴۸ ۵- سرودی در ستایش پدر بزرگی.
۱۵۰ ۶- ابیاتی از منظومه هویدگمان.

۱۵۳	کتابنامه
۱۵۳	۱. منابع آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، فرانسوی و روسی.
۱۵۹	۲. منابع فارسی.
۱۶۰	۳. منابع ترجمه شده.
۱۶۳	نشانه‌های اختصاری.
۱۶۵	یادداشت.
۱۶۷	واژه‌نامه.

پیشگفتار

کتاب قبلی من دستور زبان پارسی (پهلوی اشکانی)، که پیش از این از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده بود، با وجود برخی کاستی‌ها و اشکالات فنی، با استقبال گرم و به دور از انتظار روبرو شد. محبت‌های دانشمندان ایرانی و خارجی، و استادان و دانشجویان علاقه‌مند مرا بر آن داشت تا با تجدید نظر در محتوای کتاب بر غنای آن بیفزایم و کاستی‌های آن را برطرف سازم. فصل نخست کتاب، که به آواشناسی زبان پارسی می‌پردازد، بیش از فصول دیگر تغییر کرده است. در این چاپ برخی از تصاویر نیز تغییر کرده و تصاویری با کیفیت برتر جای آن‌ها را گرفته است. واژه‌نامه پایان کتاب را دوست ارجمندم، جناب آقای عسکر بهرامی، با دقت و کوششی ستودنی فراهم آورده‌اند که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. از جناب آقای حسین زادگان، مدیر محترم انتشارات ققنوس، و همکاران محترمشان نیز بسیار سپاسگزارم که امکان چاپ این کتاب را فراهم آوردند. در پایان، این کتاب را به پیشگاه همه شیفتگان فرهنگ و زبان‌های ایرانی تقدیم می‌کنم.

حسن رضائی باغبیدی

تهران، دی ۱۳۸۴

مقدمه

پارت و اشکانیان

استان پارت - که در کتیبه‌های فارسی باستان پَرْتَوُ^۱ (= پَهَلَوُ، پَهله، فُهله) نامیده شده است - از استان‌های شاهنشاهی هخامنشی بود و شمال خراسان کنونی و بخش‌هایی از ترکمنستان کنونی را شامل می‌شد. پس از سقوط شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر مقدونی (۳۳۰ ق م) پارت تا مدتی تحت سیطره سلوکیان، جانشینان اسکندر، بود، تا این که در حدود سال ۲۴۷ ق م، اشک یا ارشک^۲ به یاری برادرش تیرداد^۳ علیه سرکرده آنتیوخوس^۴ دوم، پادشاه سلوکی (۲۶۱-۲۴۶ ق م)، قیام کرد و سلسله اشکانی را بنیان نهاد. اشکانیان طایفه‌ای از قبیله پرنی یا آپرنی^۵، از اتحاده قبایل داهه^۶ بودند، که پیش از ورود به استان پارت (پیش از سال ۲۵۰ ق م)^۷، در دشت‌های میان رود جیحون و دریای خزر به زندگی چادرنشینی روزگار می‌گذرانیدند. قدرت و قلمروی این سلسله در زمان فرمانروایی اشک دوم (۲۱۷ یا ۲۱۴-۱۹۱ ق م)، فریپت^۸ (۱۹۱-۱۷۶ ق م) و فرهاد^۹ اول (۱۷۶-۱۷۱ ق م) به تدریج افزایش یافت، تا این که یکی از پادشاهان این سلسله به نام مهرداد^{۱۰} اول (۱۷۱/۹-۱۳۸ ق م) قلمروی اشکانیان را در آسیای مرکزی و نیز در غرب تا ماد و بین‌النهرین گسترش داد و الومایس^{۱۱} را نیز به تصرف خود درآورد.

ضعف جانشینان مهرداد اول باعث شد که اشکانیان، بسیاری از متصرفات خویش را

1. Parθava-

2. Arsaces

3. Tiridates

4. Antiochus

5. Parni/Aparni

6. Dahae

7. Debevoise 1968, p. 2.

8. Phriapites

9. Phraates

10. Mithradates

11. Elymais

از دست بدهند و پس از گذشت حدود پانزده سال از مرگ مهرداد، سلسله اشکانی رو به انقراض نهاد. اما ظهور مهرداد دوم (۴/۱۲۳-۹۰ ق م) جانی تازه به کالبد اشکانیان دمید. او در غرب، بین‌النهرین و ارمنستان، و در شرق، هرات را باز پس گرفت و سیستان را نیز دست‌نشانده خویش ساخت و خود را «شاه بزرگ»^۱ نامید.

سلسله اشکانی در برابر افزون‌طلبی‌های دولت روم قرن‌ها پایدار ماند، تا این که سرانجام در سال ۲۲۴ م آخرین پادشاه اشکانی، اردوان چهارم^۲، در جنگ با اردشیر بابکان کشته شد و سلسله ساسانی جای سلسله اشکانی را گرفت.

اشکانیان در آغاز بسیار تحت تأثیر فرهنگ و زبان یونانی بودند، به گونه‌ای که حتی نام و القاب خویش را به خط و زبان یونانی بر سکه‌هایشان حک می‌کردند. به نوشته پلوتارخ^۳، مورخ یونانی، هنگامی که اردوان^۴ دوم (۸/۳۹-۵۷ ق م) با آرتاواسدس (آرتابازس)^۵، پادشاه ارمنستان، در حال تماشای نمایشنامه‌ای یونانی از اورپیدس^۶، نمایشنامه‌نویس بزرگ یونان، بود سر بریده کراسوس^۷، سردار رومی، را به نشانه پیروزی در جنگ برایش به ارمنان آوردند.^۸



۱. سکه اشک / ارشک اول

۱. یونانی: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ

۲. پیش‌تر آخرین پادشاه اشکانی را اردوان پنجم می‌دانستند. در این باره نک: Bivar 1983, p. 99.

3. Plutarch

4. Orodes

5. Artavasdes (Artabazes)

6. Euripides

7. Crassus

8. Bivar 1983, p. 56; Colledge 1967, p. 42.



۲. سکه‌های مهرداد دوم

دلبستگی به فرهنگ یونانی به اندازه‌ای بود که از زمان مهرداد اول به بعد، گاه واژه یونانی ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ را، به معنی «دوستدار یونان»، بر سکه‌های اشکانی حک می‌کردند. این شیوه تا زمان پادشاهی بلاش^۱ اول (۷۵۰/۷۶ یا ۷۹ م) ادامه داشت. او نخستین کسی بود که خط و زبان پارتی را در کنار خط و زبان یونانی مورد استفاده قرار داد.

زبان پارتی

زبان پارتی – که به نام‌های پهلوی^۲، پهلوانی^۳ و پهلوی اشکانی نیز خوانده می‌شود – از زبان‌های ایرانی میانه (شاخه شمال غربی) است. زبان‌های ایرانی میانه اصطلاحاً به زبان‌هایی گفته می‌شود که پس از سقوط هخامنشیان (۳۳۰ ق م) در ایران بزرگ رایج بود و در واقع گونه‌های تحوّل یافته زبان‌های ایرانی باستان محسوب می‌شد. از صورت باستانی زبان پارتی اثری به دست نیامده است. دیگر زبان‌های ایرانی میانه که با زبان پارتی هم‌خانواده‌اند، عبارت‌اند از: سُغدی، خوارزمی، سکایی (با دو گویش خُتّنی و تُمَشْتَقی) و بلخی (از شاخه شرقی) و فارسی میانه یا پهلوی ساسانی (شاخه جنوب غربی).

1. Vologeses

۲. «پهلوی» یعنی «منسوب به پَهَلَوُ»، پَهَلَوُ صورت تحول یافته Parθava ی فارسی باستان است:

Parθava- > *Parhav > *Pahrav > Pahlav

۳. نام این زبان در متنی مانوی به زبان فارسی میانه به صورت Pahlawānīg آمده است. نک:

Boyce 1975, pp. 39-42 (text h).

از ادبیات شفاهی دوره اشکانی اطلاعات چندانی در دست نیست. فقط می دانیم که در آن زمان نَقّالان و شاعران دوره گردی بوده اند که حماسه های ملی ایران را، غالباً به شعر، نقل می کرده اند. گروهی از این شاعران دوره گرد گوسان^۱ نام داشتند.

کهن ترین آثار موجود به زبان پارسی متعلق به سده نخست پیش از میلاد است. این زبان تا حدود سده ششم میلادی زنده بود و سپس به تدریج رو به خاموشی نهاد. آخرین آثار موجود به زبان پارسی، آثار مانوی است که اکثراً به پیش از سده نهم میلادی / سوم هجری تعلق دارد. این آثار را در زمانی نوشته اند که پارسی زبانی مرده بوده است. آثار پارسی مانوی حتی تا سده سیزدهم میلادی / هفتم هجری نیز به نگارش در می آمد، اما در آن ها اشتباهات و گاه آمیختگی هایی با

فارسی میانه دیده می شود.

۳. گونه های خط پارسی^۲

برابرهایی حروف در خط فارسی	آثار شهر دورا اوروپوس	چرم نوشته اورامان	سفالینه های نسا
ا	𐎠	𐎠	𐎠
ب	𐎡	𐎡	𐎡
س	𐎢	𐎢	𐎢
د	𐎣	𐎣	𐎣
ه	𐎤	𐎤	𐎤
و	𐎥	𐎥	𐎥
ز	𐎦	𐎦	𐎦
ح	𐎧	𐎧	𐎧
ی	𐎨	𐎨	𐎨
ک	𐎩	𐎩	𐎩
ل	𐎪	𐎪	𐎪
م	𐎫	𐎫	𐎫
ن	𐎬	𐎬	𐎬
س	𐎭	𐎭	𐎭
پ	𐎮	𐎮	𐎮
ق	𐎯	𐎯	𐎯
ر	𐎰	𐎰	𐎰
ش	𐎱	𐎱	𐎱
ت	𐎲	𐎲	𐎲

آثار زبان پارسی

آثار بر جای مانده از زبان پارسی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) آثار به خط پارسی

ب) آثار به خط مانوی

الف) آثار به خط پارسی

خطی که اشکانیان برای نوشتن زبان پارسی برگزیده بودند، از خط آرامی گرفته شده بود و از راست به چپ نوشته می شد. در خط پارسی حروف به یکدیگر نمی پیوندند.

مهم ترین ویژگی خط پارسی، مانند برخی دیگر از خطوط ایرانی میانه، وجود عناصری نوشتاری به نام هُزوارش در آن است.

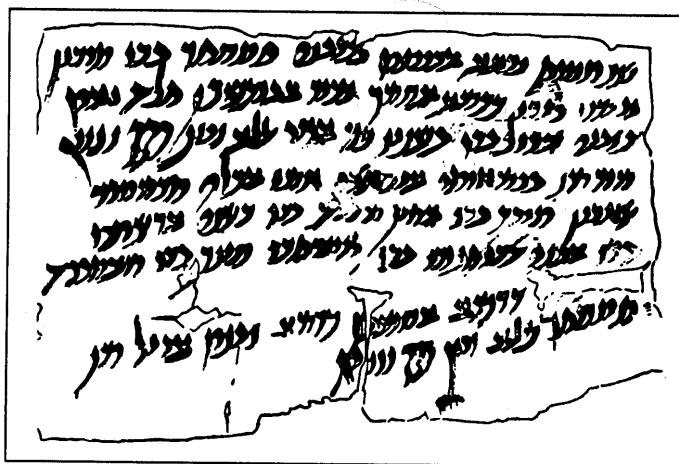
1. gōsān

2. Frye 1955, p. 197.

هزوارش‌ها واژه‌هایی آرامی‌الأصل هستند که به خط پارتی نوشته می‌شوند، اما در هنگام قرائت، معادل آن‌ها در زبان پارتی به تلفظ درمی‌آید. مثلاً واژه **𐭠𐭎𐭕𐭕** (ملکا ^۲ MLK) که واژه‌ای آرامی به معنی «شاه» است در هنگام قرائت به صورت **šāh** تلفظ می‌شود، چرا که معادل آن در زبان پارتی **šāh** است.

آثار برجای مانده به خط پارتی عبارت‌اند از:

۱. **سفالینه‌ها:** در خرابه‌های شهر نسا^۱ در حدود سه‌هزار قطعه سفالینه یافت شده است که اکثراً به سده نخست پیش از میلاد تعلق دارند. این سفالینه‌ها در واقع بقایای کوزه‌ها و خمره‌های شراب و سرکه هستند که به عنوان مالیات از تاجکستان‌ها گرفته می‌شد. نوشته‌های روی این سفالینه‌ها معمولاً اسامی اشخاص، اسامی جاه‌ها، وزن و گاه تاریخ تحویل است.^۲ دو سفالینه مشابه نیز در قومس (دامغان) یافت شده است.^۳ به‌علاوه خط پارتی بر ظروفی در نیپور^۴ (عراق) و کوشه‌تپه و مرو (ترکمنستان) دیده شده است.^۵



۴. چرم‌نوشته اورامان^۶

۲. چرم‌نوشته اورامان: از سه چرم‌نوشته یافت شده در اورامان، دو تکه به خط و زبان

۱. پایتخت قدیم اشکانیان در نزدیکی عشق‌آباد کنونی در ترکمنستان.

۲. Gignoux 1972, p. 43; Rastorgueva-Molčanova 1981, p. 149; CIIran II/II 1976-1979.

۳. Bivar 1970; 1981.

۴. Nippur

۵. Rastorgueva-Molčanova 1981, p. 150.

یونانی و یک تگه به خط و زبان پارتی از اواسط سده نخست میلادی است. به علاوه، در پشت یکی از چرم‌نوشته‌های یونانی واژه‌هایی به خط و زبان پارتی به چشم می‌خورد. این چرم‌نوشته‌ها در واقع قبالة فروش دو تاختستان است.^۱

۳. سکه‌ها، مهرها و جواهرات: بر سکه‌ها، مهرها و چند قطعه جواهر از اواخر دوره اشکانی یا چند دهه پس از اشکانیان، نوشته‌هایی کوتاه به خط و زبان پارتی وجود دارد. کهن‌ترین سکه با برخی از حروف پارتی، احتمالاً سکه بلاش اول است. البته پیش از وی واژه *krny* «سپهسالار» یا «(از خاندان) کارن؟» به خط آرامی بر روی چند سکه، حتی بر سکه اشک اول، آمده است، اما این واژه باید به احتمال زیاد آرامی باشد نه پارتی.^۲ به علاوه، سکه‌های مسی شاهان محلی الومیس و شاهان تابع اشکانیان در سیستان و بخش‌هایی از هندوستان در سده‌های اول و دوم میلادی، دارای نوشته‌هایی کوتاه به خط پارتی است.



۵. سکه بلاش اول

۴. سنگ‌نوشته‌های کوتاه: سنگ‌نوشته‌هایی بسیار کوتاه - که معمولاً دو زبانه (یونانی و پارتی) هستند - در ارمزی^۳ در گرجستان یافت شده‌اند.^۴ دیگر سنگ‌نوشته‌های کوتاه به زبان پارتی عبارت‌اند از:^۵ دو سنگ‌نوشته کوتاه در سرپل ذهاب و نیز دو سنگ‌نوشته کوتاه در خنگ نوری^۶ و سنگ‌نوشته‌هایی در کال

جنگال و لاک مزار، هر دو در نزدیکی بیرجند، که احتمالاً متعلق به نیمه اول سده سوم میلادی است.^۷ سنگ‌نوشته مشابهی نیز در پاکستان یافت شده است.^۸

۵. نیم‌تنه بلاش چهارم (۱۴۷/۸-۱۹۰/۹۱ م): این نیم‌تنه سنگی که در مجموعه‌ای شخصی نگهداری می‌شود دارای کتیبه‌ای بسیار کوتاه در معرفی بلاش است.^۹

1. Idem, p. 150; Gignoux 1972, pp. 43-44.

۲. ملکزاده بیانی ۱۳۵۷; Alram 1986; Sellwood 1983; Bivar 1967.

3. Armazi

4. Gignoux 1972, p. 44.

5. Gropp 1968; Gignoux 1972, p. 44.

6. Vanden Berghe 1963.

7. Gignoux 1972, p. 44.

8. Humbach 1980, p. 208.

۹. پیش از این او را بلاش سوم می‌دانستند.



۶. نیم تنه بلاش چهارم^۱

۶. کتیبه بلاش چهارم (۱۴۷/۸-۱۹۰/۹۱ م) بر مجسمه هرکول: این مجسمه که در عراق یافت شده، دارای کتیبه‌ای به یونانی و ترجمه آن به پارسی است. موضوع کتیبه نبرد بلاش با مهرداد چهارم (۱۳۰-۱۴۷ م) است که به پیروزی بلاش و فتح میشان^۲ انجامید. تاریخ کتابت آن سال ۴۶۲ سلوکی (= ۱۵۰ م) است.^۳

۷. کتیبه سنگ مزار خواسگ: این سنگ مزار به دستور اردوان چهارم (۲۱۳-۲۲۴ م) برای خواسگ، شهریان شوش، برپا شده و تاریخ کتابت آن سال ۴۶۲ اشکانی (= ۲۱۵ م) است.^۴

۱. گیرشمن ۱۳۷۰، ص ۶۹.

2. Mesene

3. Morano 1990.

4. Xwāsag

5. Gignoux 1972, p. 44.

۸. آثار شهر دورا اوروپوس^۱ بر ساحل رود فرات در سوریه کنونی: اکثر این آثار به اوایل سده سوم میلادی - زمانی که ساسانیان این شهر را در تصرف خویش داشتند - تعلق دارد. از میان این آثار می‌توان به سفالینه‌ها، دیوارنگاره‌ها و نامه‌ای بر پوست اشاره کرد.^۲

۷. الفبای پارسی (کتیبه‌ای)		
آرامی امپراتوری (هخامنشی)	پارسی	ببرهای حروف در خط فارسی
𐎠	𐎡	ا
𐎡	𐎢	ب
𐎢	𐎣	ب
𐎣	𐎤	د
𐎤	𐎥	ه
𐎥	𐎦	و
𐎦	𐎧	ز
𐎧	𐎨	ح
𐎨	𐎩	ط
𐎩	𐎪	ی
𐎪	𐎫	ک
𐎫	𐎬	ل
𐎬	𐎭	م
𐎭	𐎮	ن
𐎮	𐎯	س
𐎯	𐎰	ع
𐎰	𐎱	پ
𐎱	𐎲	ص
𐎲	𐎳	ق
𐎳	𐎴	ر
𐎴	𐎵	ش
𐎵	𐎶	ت

۹. دو سنگ‌نوشته کوتاه از اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانی (۲۲۴-۲۴۰ م): این سنگ‌نوشته‌ها سه زبانه (فارسی میانه، پارسی و یونانی) هستند و بر شانه اسب اردشیر و اسب اوهرمزد در نقش رستم حک شده‌اند.^۳

۱۰. سنگ‌نوشته مفصل شاپور اول، پادشاه ساسانی (۲۴۰-۲۷۰ م)، بر کعبه زردشت در نقش رستم: این سنگ‌نوشته به سه زبان فارسی میانه، پارسی و یونانی نوشته شده است و در آن شاپور نخست خود و استان‌های کشورش را معرفی می‌کند، سپس به شرح سه لشکرکشی علیه رومیان و نیز به شرح آتش‌هایی که بنا نهاده است، می‌پردازد.^۴

۱۱. سنگ‌نوشته شاپور اول در حاجی آباد فارس: این سنگ‌نوشته دو زبانه (فارسی میانه و پارسی) است و موضوع آن شرح تیراندازی شاپور است.^۵

۱۲. سنگ‌نوشته شاپور اول در تنگ براق فارس: این سنگ‌نوشته نیز دو زبانه

1. Dura-Europus

2. Gignoux 1972, p. 44.

3. Back 1978, pp. 281-282.

4. Idem, pp. 284-371.

5. Idem, pp. 372-378.

(فارسی میانه و پارسی) و موضوع آن، مانند سنگ‌نوشته حاجی‌آباد، شرح تیراندازی شاپور است.^۱

رونوشتی از تحریر پارسی این کتیبه در ۲۱ سطر بر لوحی سیمین یافت شده که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. برخی این لوح را جعلی می‌دانند، اما مکنزی بر این باور است که این لوح پیش‌نویس کتیبه بوده که پیش از کندن بر روی صخره به شاپور نشان داده‌اند.^۲

۱۳. سنگ‌نوشته شاپور اول در بیشاپور (کازرون): این سنگ‌نوشته دو زبانه (فارسی میانه و پارسی) و در سال ۲۶۶ م حک شده است.^۳

۱۴. سنگ‌نوشته شاپور اول در نقش رستم: این سنگ‌نوشته — که در کنار صحنه پیروزی شاپور بر والرینوس^۴، امپراتور روم (۲۵۳-۲۶۰ م) کنده شده است — در اصل به سه زبان فارسی میانه، پارسی و یونانی بوده، اما اکنون تنها بخش‌هایی از تحریر یونانی آن بر جای مانده است.^۵

۱۵. سنگ‌نوشته شاپور اول در نقش رجب: در نقش برجسته‌ای که شاپور را با تعدادی از همراهانش نشان می‌دهد، کتیبه‌ای کوتاه و سه زبانه (فارسی میانه، پارسی و یونانی) در معرفی شاپور وجود دارد.^۶

۱۶. سنگ‌نوشته نرسه، پادشاه ساسانی (۲۹۳-۳۰۲ م)، در پایکولی در جنوب سلیمانیه عراق: این سنگ‌نوشته را — که اکنون قطعاتی از آن بر جای مانده — در اصل بر برجی مکعب‌شکل کنده بودند. موضوع این سنگ‌نوشته معرفی نرسه و چگونگی دستیابی وی به تخت پادشاهی است. این سنگ‌نوشته به دو زبان فارسی میانه و پارسی نوشته شده است.^۷

(ب) آثار به خط مانوی

پس از گسترش کیش منی (۲۱۶-۲۷۶ م) در خراسان و ماوراءالنهر به کوشش مبلغان مانوی در سده سوم میلادی، زبان پارسی به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغ مورد استفاده مانویان قرار گرفت و کتاب‌هایی به آن زبان تألیف یا ترجمه شد. آثاری از این کتاب‌ها در

1. Ibid.

2. MacKenzie 1978.

3. Back, pp. 378-383.

4. Valerianus

5. Gropp 1969, pp. 256-257.

6. Back 1978, pp. 282-283.

7. Humbach-Skjærø 1978-1983.

واحه دوئو-لو-فان^۱ (= تُرفان) در شمال غرب چین یافت شده است. خطی که برای نوشتن این متون مورد استفاده قرار گرفته، خط مانوی است که به روایتی مانی خود آن را بر پایه خط تدمری - که آن نیز برگرفته از آرامی بود - ابداع کرده بود.

𐭪 = d	𐭪 = h	𐭪 = p
𐭫 = b	𐭫 = t	𐭫 = f
𐭬 = β	𐭬 = y	𐭬 = c
𐭭 = g	𐭭 = k	𐭭 = j
𐭮 = γ	𐭮 = x	𐭮 = q
𐭯 = d	𐭯 = l	𐭯 = r
𐭰 = b	𐭰 = s	𐭰 = š
𐭱 = w	𐭱 = m	𐭱 = š
𐭲 = u	𐭲 = n	𐭲 = t
𐭳 = z	𐭳 = s	
𐭴 = ž	𐭴 = c	

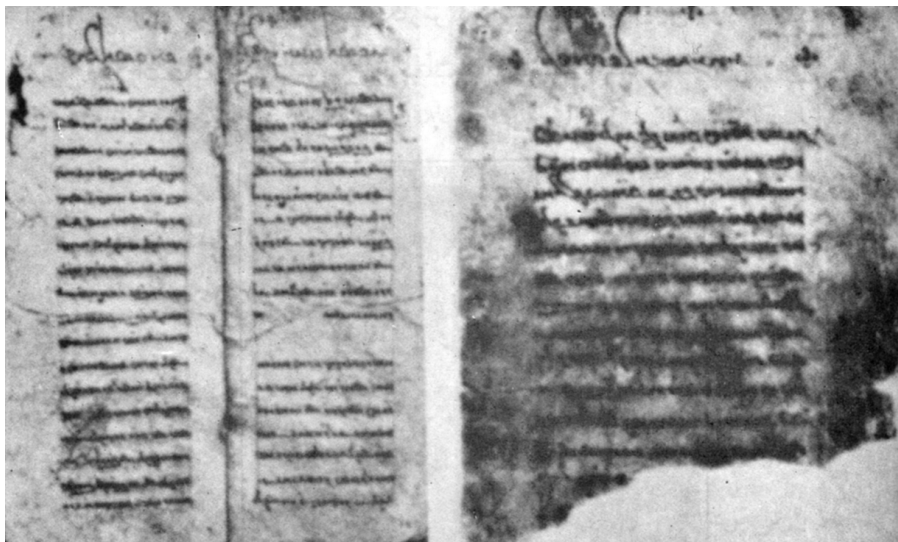
۸. الفبای مانوی^۲

خط مانوی از راست به چپ نوشته می شود و مهم ترین ویژگی آن نبود هزوارش در آن است و این خود، خواندن این خط را بسیار آسان می کند. به علاوه، برخلاف خط پارتی، که در آن هر حرف می تواند ارزش های آوایی متفاوت داشته باشد، در خط مانوی هر یک از حروف تنها یک ارزش آوایی دارد. آثار پارتی به خط مانوی عبارت اند از:^۳

۱. چینی: Duo-lu-fan (به شیوه آوانویسی Pinyin)، To-lu-fan (به شیوه آوانویسی Wade-Giles).

2. Andreas-Henning 1934, p. 911.

3. Boyce 1960; 1975; Sundermann 1981.



۹. صفحاتی از نوشته‌های مانوی^۱

۱. آثار مانوی و شاگردانش، که در زمان زنده بودن زبان پارسی (سده‌های سوم و چهارم میلادی) تألیف شده‌اند. مهم‌ترین اثر از این نوع قطعاتی از کتاب *آرده‌نگ و فراس*^۲ «آموزش ارژنگ» در تفسیر کتاب معروف مانوی، ارژنگ^۳، است. بی‌شک مؤلف برخی دیگر از قطعات به دست آمده پارسی *آمو*^۴ بود، که چون خط و زبان پارسی را می‌دانست و برخی از شاهزادگان اشکانی را می‌شناخت، با سمت آموزگار^۵ از جانب مانوی برای تبلیغ دین به *آبرشهر*^۶ فرستاده شد.^۷

۱. کلیم‌کایت ۱۳۷۳، ص ۲۱۷.

۲. پارسی: *Ārdahang wifrās*

۳. یا ارتسنگ، ارژنگ، ارچنگ (فارسی میانه و پارسی: *Ārdahang*؛ یونانی و قبطی: *εικων*؛ چینی: ← (Ta-men-ho-i 'u)، احتمالاً مانوی در این کتاب اصول عقاید خویش را با استفاده از تصاویری که خود کشیده بود، آموزش می‌داد.

۴. فارسی میانه و پارسی: *Ammō*

۵. فارسی میانه: *hammōzāg*؛ پارسی: *ammōzāg*. آموزگاران از بلندپایه‌ترین روحانیان مانوی بودند که تعدادشان همواره دوازده نفر بود و زیر نظر مانوی یا سالار مانویان فعالیت می‌کردند.

۶. فارسی میانه: *Abaršahr*؛ پارسی: *Šahr čē abar*. نام قدیم نیشابور است.

۷. درباره سفر *آمو*، نک: Boyce 1975, pp. 39-42, text h (in Middle Persian).

۲. آثار متأخر مانوی، که اکثراً مربوط به فرقه دیناوری^۱ هستند. این آثار - که بیش تر ترجمه از فارسی میانه است - در زمانی به نگارش در آمده که پارتی زبانی مرده بوده است. به همین دلیل است که در بسیاری از موارد تأثیر واژه‌ها و گاه نکات دستوری فارسی میانه را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد. به علاوه، در میان دستنوشته‌های پارتی مانوی که در ترکستان چین یافته‌اند، قطعاتی نیز به خطوط رونی ترکی، سُغدی و حتی چینی دیده می‌شود.

آثار مانوی به زبان پارتی شامل موضوعاتی از قبیل اصول عقاید، سرودهایی در ستایش ایزدان و رهبران دینی، اندرزنامه‌ها، نامه‌های شخصی، افسون‌ها، دعاها، قصه‌ها و تمثیل‌ها می‌شود. بخش قابل توجهی از این آثار منظوم است.



۱۰. نگاره‌ای مینیاتوری از یک کتاب مانوی^۲

۱. یا دیناوران (فارسی میانه: dēnāwarān؛ پارتی: dēnāwarān). گروهی از مانویان آسیای مرکزی بودند که در اواخر سده ششم میلادی فردی را به نام شاد اوهرمزد (فارسی میانه و پارتی: Sād-Ohrmizd) به سالاری خویش پذیرفتند و بدین ترتیب از مانویان بابل جدا شدند و اعلام استقلال کردند.
 ۲. کلیم‌کایت ۱۳۷۳، ص ۱۶۱.

آثاری که اصل پارسی داشته‌اند

دو کتاب منسوب به دوره ساسانیان بر جای مانده است که واژه‌های دخیل پارسی در آن‌ها دیده می‌شود. ایران‌شناسان بر این باوراند که این دو کتاب در اصل منظوم و به زبان پارسی بوده‌اند. این دو کتاب عبارت‌اند از:

۱. **یادگار زریران**^۱: درباره نبردی که پس از گرویدن گشتاسپ به دین زردشت با ارجاسپ، پادشاه خیونان^۲، در گرفت. زریر - که در این کتاب از دلآوری‌هایش در جنگ سخن به میان می‌آید - وزیر گشتاسپ بوده است.^۳
۲. **درخت آسوری**^۴: این کتاب مناظره‌ای میان نخل و بز است، درباره این که کدام یک برای آدمیان سودمندتر است. در این مناظره سرانجام بز به پیروزی می‌رسد.^۵ به احتمال زیاد منظومه فارسی ویس و رامین، سروده فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر سده پنجم هجری، نیز اصل پارسی داشته است.^۶ زمان سرایش این منظومه را به زبان پارسی سده نخست میلادی می‌دانند.^۷ شاید برخی از داستان‌های عاشقانه شاهنامه، مثلاً بیژن و منیژه، نیز در اصل افسانه‌های پارسی بوده‌اند.^۸

واژه‌های دخیل پارسی در فارسی دری

فارسی دری، که بازمانده فارسی میانه است، اگر چه منسوب به استان فارس است در سده‌های نخستین اسلامی، به سبب نفوذ زبان عربی در بخش‌های غربی کشور، در شرق و شمال شرقی رشد و تکامل یافت. نخستین شاعران فارسی‌گوی در سده‌های چهارم و پنجم هجری غالباً از شهرهای بخارا، بلخ، سمرقند، طوس، مرو، هرات و دیگر شهرهای ماوراءالنهر و خراسان بوده‌اند.

فارسی دری در دوره رشد و تکوین خویش (پیش از سده هفتم هجری)، به علت مجاورت با مناطقی که پیش از آن قلمروی زبان پارسی بود، واژه‌هایی را از این زبان به وام گرفت.^۹

۱. فارسی میانه: Ayādgār ī Zarērān.

۲. خیون یا هون، قبیله‌ای از قبایل ترک.

۳. نک: یادگار زریران ۱۳۷۴؛ نیز: Pagliaro 1925.

۴. فارسی میانه: Draxt ī Āsūrīg.

۵. نک: منظومه درخت آسوریگ ۱۳۴۶؛ نیز: تفضلی ۱۳۴۵؛ Henning 1950.

۶. نک: ویس و رامین ۱۳۴۹.

7. Boyce 1983, p. 1158.

۹. نک: Lentz 1926.

۸. تفضلی ۱۳۷۶، ص ۷۶.

باید به خاطر داشت که در برخی از موارد، واژه دخیل پارسی به موازات واژه اصیل فارسی که بازمانده فارسی میانه است، به کار می‌رود. به عنوان نمونه، واژه پارسی *zrēh* به معنی «دریا» (در اوستایی *-zrayah*)، به صورت «زراه» در فارسی دری به کار رفته، اما وجود این واژه باعث حذف واژه اصیل «دریا» (از فارسی میانه *drayā*)، از فارسی باستان (*-drayah*) نشده است.

برخی از مهم‌ترین واژه‌های دخیل پارسی در فارسی دری عبارت‌اند از: آژدن (صورت اصیل: آژدن)، آژیر، اژدها، انباغ (صورت‌های اصیل: امباز، انباز، همباز، هنباز)، انجام، انجمن، اوژدن، باژ (صورت‌های اصیل: باج، باز)، بغ، پنج، پور (صورت اصیل: پُس، در پسر هم آمده است)، پیغام (صورت اصیل: پیام)، چهر، چهره، خدیو، دز (صورت دیگر: دژ)، دژ-پیشوند به معنی «بد» (صورت اصیل: دُش-، دوزخ (صورت اصیل: دوزخ)، زر، ژرف، ساویدن (صورت اصیل: ساییدن)، شهر، فرجام، فرزانه، فرشته، مَرغ، مَرغ، مژده، نغوشا و نغوشاک (صورت اصیل: نیوشا «شنونده»)، هراس.

البته باید افزود که برخی از این واژه‌ها، در واقع واژه‌های دخیل پارسی در فارسی میانه هستند و از آن طریق به فارسی دری رسیده‌اند، مانند: انجام (فارسی میانه: *hanjām*)، انجمن (فارسی میانه: *hanjāman*)، پنج (فارسی میانه: *panj*)، چهر (فارسی میانه: *čihr*)، چهره (فارسی میانه: *čihrag*)، زر (فارسی میانه: *zarr*)، شهر (فارسی میانه: *šahr*) و فرزانه (فارسی میانه: *frazānag*).

واژه‌های دخیل پارسی در ارمنی

زبان ارمنی در طول تاریخ خود، واژه‌های بسیاری از زبان‌های ایرانی به وام گرفته و بدون تغییر حفظ کرده است. ورود واژه‌های پارسی به زبان ارمنی از آن زمان سرعت بیش‌تری گرفت که بلاش اول در سال ۵۳ م برادر خود، تیرداد اول، را بر تخت پادشاهی ارمنستان نشانده و تا قرن‌ها پس از آن، ارمنستان زیر نفوذ ایرانیان بود. برخی از مهم‌ترین واژه‌های دخیل پارسی در ارمنی، که گاه از آن طریق به گرجی نیز راه یافته‌اند، عبارت‌اند از:^۱

aržē «می‌ارزد»، قس پارسی: aržān «ارزان، باارزش»

1. Schmitt 1987; Bailey 1987.

awar	«غنیمت»، پارتی: āwār
awrêñ	«آیین»، پارتی: aβðēñ
bar-	«در»، پارتی: bar
hazarapet	«فرمانده هزار مرد، مین‌باشی، رئیس»، پارتی: hazārpat
marg	«مرغ، مرغزار»، پارتی: marγ
mogpet	«موبد»، پارتی: moybed، نیز: maybid
parh	«محافظ»، پارتی: pāhr
paterazm	«نبرد، رزم»، پارتی: pādrazm
seaw	«سیاه»، پارتی: syāw
vačār	«بازار»، پارتی: wāžār
vasn	«زیرا، برای این که»، پارتی: *wasn در wasnāð
vnas	«تباهی، آسیب»، قس پارتی: wināst «مجروح، آسیب‌دیده»
yawêt	«جاوید»، پارتی: yāwêd
yazem	«می‌پرستم، می‌ستایم»، پارتی: yazēm
zawr	«سپاه، ارتش»، قس پارتی: zāwar «نیرو»
žamanak	«زمان»، قس پارتی: žamān
žir	«زیرک»، پارتی: žīr

واژه‌های دخیل پارتی در دیگر زبان‌ها

اهمیت زبان پارتی، به ویژه در فاصله میان سده نخست پیش از میلاد و سده چهارم میلادی، سبب شد که واژه‌های بسیاری از این زبان علاوه بر فارسی میانه، سغدی و ارمنی، به زبان‌های آرامی، سریانی، مندایی و از طریق ارمنی به گرجی نیز راه یابد.

واژه‌های دخیل سریانی، هندی و یونانی در پارتی

اکثر واژه‌های دخیل در زبان پارتی اصل سریانی، هندی یا یونانی دارد. ورود واژه‌های سریانی به این دلیل است که مانویان بسیاری از آثار خود را از زبان سریانی به پارتی ترجمه کرده بودند. واژه‌های هندی غالباً در زمانی به پارتی راه یافتند که گسترش مانویت در شرق برقراری ارتباط را میان مانویان و پیروان ادیان هندی در پی داشت. وجود

واژه‌های یونانی نیز به این علت است که زبان یونانی پس از سقوط هخامنشیان، در دوره سلوکی زبان درباریان بود و پس از آن هم در دوره اشکانی و حتی در اوایل دوره ساسانی، یکی از زبان‌های مورد استفاده دربار بود، به گونه‌ای که حتی برخی از کتیبه‌های شاهی را نیز بدان ترجمه می‌کردند. برخی از واژه‌های دخیل سریانی، هندی و یونانی در زبان پارتنی – که اکثراً اسامی خاص هستند – عبارت‌اند از:^۱

از یونانی	از هندی	از سریانی
Arseniyāh «نام خاص»	But «بودا»	āmen «آمین»
Ewangelyōn «انجیل»	Jartabūr «نام محل»	Uzzi «نام خاص»
Bēma «بمه (از اعیاد مانوی)»	Kašpīr «کشمیر»	Bāt «نام خاص»
dīdēm «دیهم، تاج»	lōg «جهان»	bar «ابن، پسر»
yōnāw «(زبان) یونانی»	niṣrān «نیروانا، فنا»	Barsimus «نام خاص»
hēgemōn «والی»		Dībat «نام خاص»
		Gabraēl «جبرائیل»
		kādūš «قدوس، مقدس»
		kahan «کاهن»
		Kaifah «نام خاص»
		Mānī «مانی»
		mār «حضرت»
		Miryam «مریم»
		Mašihā «مسیح»
		Mīhaēl «میکائیل»
		Yišō «یشوع، عیسی»

البته باید توجه داشت که اکثر واژه‌های سریانی فوق‌الذکر اصل عبری دارند.

درباره کتاب حاضر

کتابی که اکنون در پیش رو دارید نخستین گام در تدوین دستور زبان پارتنی به زبان فارسی

۱. درباره واژه‌های دخیل هندی در پارتنی نک: Sims-Williams 1983.

است. این کتاب در ده فصل مباحث مربوط به آواشناسی، اسم، صفت، ضمیر، عدد، قید، پیشوندها و پسوندها، کلمات مرکب، حروف و اصوات، و فعل را دربر می‌گیرد. هر فصل به گونه‌ای تنظیم شده است که علاوه بر مباحث صرفی، مباحث نحوی مربوط را نیز شامل شود. پس از پایان مباحث آوایی، صرفی و نحوی، گزیده‌ای از متون پارسی گردآوری، آوانویسی و ترجمه شده است. واژنامهٔ پایان کتاب را جناب آقای عسکر بهرامی فراهم آورده‌اند.

در هر یک از فصل‌های کتاب برای هر نکتهٔ دستوری شاهد یا شواهدی از متون موجود آمده است تا خواننده را در فهم بهتر مطالب یاری دهد. در آوانویسی شواهد از شیوهٔ «مکنزی» و «بویس» پیروی شده است که تلفظ زبان پارسی را پس از سدهٔ سوم میلادی می‌نمایاند. پس از هر شاهد، منبع مورد استفاده با نشانهٔ اختصاری و شمارهٔ جمله آمده است. نشانه‌های اختصاری به کار رفته عبارت‌اند از:

NPi =	سنگ‌نوشتهٔ نرسه در پایکولی	AR =	سرود Angad Rōšn
SPI A =	سنگ‌نوشتهٔ سر پل ذهاب	Avr =	چرم‌نوشتهٔ اورامان
ŠH =	سنگ‌نوشتهٔ شاپور اول در حاجی آباد	DE =	متون دورا اوروپوس
ŠKZ =	سنگ‌نوشتهٔ شاپور اول بر کعبهٔ زردشت	H =	سرود Huwīdagmān
ŠVŠ =	سنگ‌نوشتهٔ شاپور اول در بیشاپور	N, Ni, Nisa =	سفالینه‌های نسا
Xwāsag =	کتیبهٔ سنگ مزار خواسگ		

متن‌های زیر از این کتاب برگرفته شده‌اند:

M. Boyce, *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, *Acta Iranica* 9, Leiden 1975.

a, ab, ac, af, ag, ah, aj, ak, aka, al, am, ao, at, au, av, aw, ax, ay, az, b, ba, bc, bg, bh, bj, bk, bl, bm, br, bs, bv, bw, bx, by, bya, byb, byc, byd, ce, cf, ch, cv, cw, cx, cy, cz, d, dc, dga, dk, ds, dv, dz, e, f, g, j, m, p, q, r, x.

متونی که با M مشخص شده در کتاب زیر معرفی شده‌اند:

M. Boyce, *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*, Berlin 1960.

این متون عبارت‌اند از:

M 1 280, M 1 282, M 5, M 27 V, M 30 Ri, M 30 Vi, M 76 V, M 99 R, M 102 R, M 284a Rii, M 284a Vii, M 789 R, M 857 I Ri, M 857 II Vi, M 8201 Ri.

